



ادب انسان قرار گرفتن در چارچوب دین است/ زن و مرد در نهج البلاغه

ادب انسان این است که در چارچوب دین قرار گیرد و احکام الله را اطاعت و پیروی کند. در آن صورت است که آدم می‌شود.

ادب انسان این است که در چارچوب دین قرار گیرد و احکام الله را اطاعت و پیروی کند. در آن صورت است که آدم می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله مرتضی تهرانی در مورد آیه $\text{لَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ است که در ادامه می‌خوانید:

عدم وجود تناقض در آیات مربوط به زن و مرد

یکی از مسائل مورد بحث بین مسلمین و مؤمنین و افراد شیعه، مسئله $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ است. طائفه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ بانوان، و این است که دین مقدس اسلام زنان مسلمان را حقیرتر و کم‌ارزش‌تر نسبت به مردان آن‌ها فرض کرده است. مطرح شدن این مسئله و این ادعای بی‌بلاغت، بعد شرعی و مذهبی ندارد، بلکه بعد سیاسی و شیطانی دارد. این افراد جمله $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ را به عنوان سند این مسئله مطرح می‌کنند. جمله $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ دیگری در نهج‌البلاغه از فرمایشات امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این امر نیز مستمسک این نظر قرار داده می‌شود. این جمله مخصوص آن بزرگوار نبود. محمدجواد مغنیه از علمای کم‌زبان $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ نظیر شیعه از جهت استعداد و تفکر، یکی از شرح‌کنندگان خوب نهج‌البلاغه است. او مستند و با استدلال به تاریخ، نقل و ادعا می‌کند همین مضمونی که امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نهج‌البلاغه نسبت به مرد و زن بیان داشته‌اند، در اسلام تازگی ندارد و در فرمایشات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از یکی از جنگ‌ها هم نقل شده است.

در نظر ابتدایی اشخاص بی‌اطلاع، آیه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ با آیه مورد بحث از سوره $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ی مبارکه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ی نحل تناقض دارد. در حالی که نکات ظریفی در این آیه وجود دارد و هیچ تعارضی و اختلاف غیر قابل جمع عقلایی بین آیات نیست. حق‌تعالی هم در آیه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ای ادعا فرموده است که اختلاف کثیری بین آیات کریمه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ی این کتاب یعنی قرآن کریم نمی‌بینید. یک بعد بحث این است که این اختلاف که در ابتدا به نظر می‌رسد، روشن شود.

بعد دیگر بحث، بررسی این مطلب است که آیا به نظر دین مقدس اسلام یا سایر ادیان آسمانی بین مرد و زن در واقعیت و حقیقت اختلافی وجود دارد یا نه؟ در این $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ جا هدف، کار فنی از نظر ظواهر آیات نیست، بلکه همین بعد دوم است. اعتقاد ما این است که نه تنها در دین مقدس اسلام، بلکه در هر دینی که آسمانی و صاحب کتاب باشد، و تحریف هم نشده و به آن وضع واقعی و حقیقی خود باقی مانده باشد، خدای متعال بین فرزندان حضرت آدم ابوالبشر علی‌هم‌السلام و نبینا و آله‌وسلم و علی‌هم‌السلام از جهت ماهیت فرقی نگذاشته است که آن فرق موجب شود مردان زودتر و بیشتر از خانم‌ها به حق‌تعالی قرب و نزدیکی پیدا کنند.

عدم وجود فرق بین زن و مرد به لحاظ امکان خلیفه‌الله‌شدن در زمین اولین دلیل این است که حق‌تعالی در آیات کریمه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ای که در مورد خلقت حضرت آدم سلام‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده، فرموده است که من اراده کردم که در زمین خلیفه‌الله‌شوم. کلمه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ی خلیفه، عربی و فارسی آن جانشین است. حق‌تعالی جسم ندارد که جای نشستن داشته باشد، و نعوذبالله فرزند حضرت آدم جای او بنشیند. بلکه منظور از جانشینی این است که موجودی مخلوق باشد، ولی آثار خالقیت به اراده‌الله از او ظاهر شود. قبل از خلقت حضرت آدم ابوالبشر سلام‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سوی حق‌تعالی خلق نشده بود، و با خلقت حضرت آدم چنین جایگاهی برای بعضی از فرزندان حضرت آدم سلام‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ممکنات به وجود آمد.

بنابر آیه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ای که به تعبیر برخی از علما، در آن فلسفه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ی خلقت حضرت آدم سلام‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد اشاره قرار گرفته است، هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد؛ یعنی اگر هر یک از این دو صنف موجود بخواهند، صلاحیت دارند که با استفاده از امکاناتی که حق‌تعالی در ذات و وجود آن‌ها قرار داده است، خود را به خدای متعال نزدیک کنند و از بندگان مطیع حق‌تعالی محسوب شوند.

یک شاهد واقعی، وجود مقدس صدیقه‌کبری سلام‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. به استثنای پدر و همسر بزرگوارشان، از همه $\text{وَلَا تُقْرَبُوا مَوَاطِنَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ إِذَا أَثْمَرَ}$ ی انبیاء به حق‌تعالی نزدیک‌تر، و ارزش ایشان نزد حق‌تعالی بیش‌تر است. شخصیت دوم، حضرت زینب سلام‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که این بزرگوار هم به اعتراف دوست و دشمن به پدر بزرگوار خود،

این سفر در آن زمان خاصیتی بیش از تلویزیون داشت. این خانم حقایق را از برادر بزرگوارش ابی‌zwnj&عبدالله صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه به مردم شهرها منتقل کرد. در این سفر سیدالشهداء صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه چندین مرحله خواهر خود را ارتقای رتبه دادند. هر بار که آن بزرگوار با خواهر خود صحبت می‌zwnj&کردند، خدا می‌zwnj&داند که روح این خانم چه مقدار قدرت پیدا می‌zwnj&کرد و چه‌zwnj&مقدار ایشان به حق‌zwnj&تعالی تقرب پیدا می‌zwnj&کرد.

بر حسب نقل حضرت سجاد صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه فرمودند: در شب دهم عمه‌zwnj&ام زینب وقتی که زمزمه‌zwnj&ی پدرم و آن اشعار را شنید، چنان تغییر حال داد که بدون این‌zwnj&که چیزی روی سر خود بیاندازد و در حالی که لباس‌zwnj&های او در پایش می‌zwnj&پیچید، سراسیمه خدمت برادر رسید و غش کرد. البته در آن شرایط نامحرمی حضور نداشت، ولی این وضعیت از نظر آداب، خلاف توقع است. اما امام و ولی خدا صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه به گونه‌zwnj&ای روح این خانم را قوی کردند که در روز عاشورا و بعد از شهادت برادر حتی یک کلمه که دلالت بر بی‌zwnj&صبری کند از دهان مبارک ایشان خارج نشد. هنوز ابی‌zwnj&عبدالله صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه به درجه‌zwnj&ی شهادت نرسیده بود که به عمر سعد خطاب کرد: "یا ابنِ سَعْدِ اَيُّ قَتْلِ اَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ اَنْتَ تَنْظُرُ اِلَيْهِ".

ما روی این نکات فکر نکرده‌zwnj&ایم. ایشان هم یک زن بود. هرچند آن بزرگوار از زن‌zwnj&های عادی جلوتر بود، ولی در اثر تربیت، در اثر تعلم و آموزش دیدن، به مقامی رسید که برای ما قابل تصور نیست. در مقابل اسلام نظری که مطالب علمی است اسلام عملی وجود دارد. اسلام عملی یعنی آن عملی که از معصوم صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه‌zwnj&اجمعین صادر می‌zwnj&شود. ما در اسلام عملی نکاتی را می‌zwnj&بینیم که به هیچ وجه قابل انکار نیست.

در اسلام، در برابر زن همان مقدار فضای باز هست که در برابر مرد هم هست، و اگر بخواهد این فاصله را طی کند و خود را به حق‌zwnj&تعالی نزدیک کند، امکان آن برای او وجود دارد. اما اگر زن از قوای جزئیه‌zwnj&ای که برای انجام وظیفه‌zwnj&ی خود در زندگی دنیایی در اختیار دارد، سوءاستفاده کرد، جلوی عقل را سد کرده است. در نتیجه این فرد عقل خود را ضعیف نگاه داشته است و باید با همین عقل ضعیف به برزخ و قیامت منتقل شود. در این شرایط است که امیرالمؤمنین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه می‌zwnj&فرماید که زن‌zwnj&ها اضعف از مردها هستند، و واردین جهنم ایشان بیش‌zwnj&تر از مردها است. این نکات، استدلال مثل دو تا چهار تا است. قرآن، کتابی برای همه‌zwnj&ی زمان‌zwnj&ها

برای فهمیدن فرمایشات موجودات بزرگ مثل حق‌zwnj&تعالی در قرآن کریم و یا مانند امیرالمؤمنین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه در نهج‌zwnj&البلاغه که تعبیر "ناقصاتُ العُقُول"، در آن ذکر شده است باید دقت کرد و توجه داشت که این منابع فقط برای بهره‌zwnj&برداری در این زمان نیست. ممکن است روند زندگی فرزندان حضرت آدم سلام‌zwnj&الله‌zwnj&علیه چند هزار سال طول بکشد. نمی‌zwnj&توان زن و مرد را به صورت منفرد در نظر گرفت و اشکال وارد کرد. علوم ائمه‌zwnj&ی ما صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه‌zwnj&اجمعین به قدر نیازشان نیست که تصور کنیم مقام عصمت ایشان اقتضا می‌zwnj&کند که این مقدار علم و آگاهی داشته باشند، بلکه این علوم برای آینده است. حتی یک بخش بسیار جزیی از این علوم هم در این هزار و چند صد سال مورد نیاز ما نبوده است.

هنگامی که امیرالمؤمنین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه می‌zwnj&فرمایند: "اِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا سَلَوْنِي قَبْلَ اَنْ تَفْقِدُوْنِي"، معلوم می‌zwnj&شود که چه کسی انسان است، و چه کسی به ظاهر انسان، ولی در واقع شیطان است. در میان جمعیت فردی می‌zwnj&ایستد و می‌zwnj&گوید موهای ریش من چند تا است؟ امیرالمؤمنین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه در جواب، حقیقتی را بیان فرمودند، که توهین نبود. ایشان فرمودند: الان می‌zwnj&توانم به تو بگویم که پای هر مویی از موهای صورت تو یک شیطان است، یعنی تو تا این اندازه محکوم شیاطین هستی. این سوال ماهیت آن فرد را نشان می‌zwnj&داد. ((تا مرد سخن نگفته باشد؛ عیب و هنر او معلوم نخواهد شد)).

الان خبررسانی‌zwnj&ها توسط رادیو و تلویزیون انجام می‌zwnj&شود، که شصت-هفتاد درصد مردم می‌zwnj&شنوند. در آن زمان اولین محل رسمی، کوفه بود. حضرت زینب سلام‌zwnj&الله‌zwnj&علیه‌zwnj&علیها واقعیت مخفی از چشم و گوش مردم را برای آن‌zwnj&ها روشن کردند که ما چه کسی هستیم، و چه نسبتی با اسلام و با پیامبر داریم. این‌zwnj&که حمیدبن‌zwnj&مسلم در کربلا گفته است: ((لَقَدْ بَكَتَ وَ اَبَكَتَ وَ اللّٰهُ كُلَّ عَدُوٍّ وَ صَدِيقٍ))، مبالغه نیست. حمیدبن‌zwnj&مسلم که خبرنگار است نفهمید که چرا دوست و دشمن گریه می‌zwnj&کنند، و این خانواده چه می‌zwnj&کنند. این خانواده خدای متعال را به مخلوق خدا نشان می‌zwnj&دهند تا کسی مدعی نشود که من خدا را ندیده‌zwnj&ام. البته خدا با چشم سر دیدنی نیست. این‌zwnj&که امیرالمؤمنین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه در نهج‌zwnj&البلاغه می‌zwnj&فرمایند که خدا دیدنی است، منظور دیدن با عقل و شعور است. تا چه موقع انسان می‌zwnj&خواهد به چشم سر قناعت کند و چشم دل را باز نکند؟

برای باز شدن چشم باطن -که نام آن بصیرت است- باید از حرکت مطابق خواست دل که تبعیت و پیروی هوای نفس نامیده می‌zwnj&شود، خودداری کرد. اگر به فرزند خود هر چه خواست دادید، این فرزند عاقل نمی‌zwnj&شود، بلکه بی‌zwnj&تربیت و و دیوانه می‌zwnj&شود تا بزرگ شود. باید او را تربیت کنید. روح انسان هم همین‌zwnj&گونه است.

هر انسانی هم همین‌گونه است. ادب کردن انسان در دبستان صورت نمی‌گیرد. ادب انسان این است که در چارچوب دین قرار گیرد و احکام الله را اطاعت و پیروی کند. در آن صورت است که آدم می‌شود.